



از: خانم دکتر سرور سروری

# غزل غزل‌های سلیمان \*

سبک عبری تورات، بخصوص در قطعات ادبی مانند «غزل، غزلها» بندرت ترجمه‌های موجود بازتابی داشته است. بی‌غدالی ترجمه‌هایی که از این رهگذر گریبانگیر زبان فارسی شد کمتر از متن اصلی نبود. ترجمه کلمه بکلمه عبری به فارسی، استعمال لغات و اصطلاحات فارسی بمفهومی غیر از آنچه در این زبان معمول است، استعمال نادرست حروف اضافه، افعال و ضمائر، اشتباه در جمله‌بندی و نظائر اینها، سبکی عجیب و نامأنوس بوجود آورد که بامشخصات زبان زیبای فارسی هماهنگی نداشت.

برای توجیه این نکته نمونه‌هایی از نسخه فارسی «غزل

غزلها» چاپ لندن نقل میشود: (۵)

ای جمیل از زنان (باب اول - آیه هشتم): ترجمه تحت‌اللفظی بمعنی ای جمیل ترین زنان، میوه نفسیه، (۱۶-۴): صف موث عربی برای کلمه فارسی.

ای محبوبه من و ای زیبایی من، (۲-۱۰): از عبری «ای محبوبه من و ای زیبای من».

آواز تولدینداست، (۲-۱۴): صفت نامتناسب برای آواز در عبری کلمه «خوشایند» بکار رفته است.

شست جبار از جباران اسرائیل، (۳-۸): کلمه جبار بمفهومی غیر از مفهوم معمول آن در فارسی بکار رفته است. گرچه کلمه عبری guibor «باجبار» از یک ریشه است ولی معنی این کلمه در عبری پهلوان و جنگجو

در میان ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس آنهاست که بچاپ رسیده و انتشار زیادی پیدا کرده از لحاظ زبان فارسی و هنر ترجمه کمبودهای بسیاری دارند. این کمبودها از دو علت است: نخست، ترجمه‌های چاپ شده بابتکار موسسات میسیونری صورت گرفته و مترجمین - کشیشان مسیحی - بر زبان فارسی تسلط کامل نداشته‌اند. علاوه بر این، آنجائی که ترجمه و چاپ این کتاب برای تأمین نیازمندی‌های تبلیغ مذهبی صورت گرفته، هدف اصلی مترجمین این بوده است که متن آنرا (۳) با دقت و امانت هرچه بیشتر بزبان فارسی برگردانند. از این رو، وحتى در مواردی که افراد ایرانی (یهودی یا مسلمان) در کار ترجمه شریک بوده‌اند و در بسیاری موارد گویا چنین بوده است - فصاحت ترجمه و زیبایی سبک چه بسیار که قربانی ترجمه تحت‌اللفظی و باصطلاح «دقیق» قرار گرفته است.

نتیجه این امر هم از لحاظ متن اصلی و هم از لحاظ زبان فارسی بسیار زیان بخش بود.

آشنائی محدود مترجمین بازبان فارسی و ترجمه تحت‌اللفظی آنها باعث گنگی و عدم وضوح ترجمه فارسی شد. از این لحاظ مترجمین مبلغ در واقع نتیجه‌ای برخلاف هدف اصلی خود بدست آوردند، زیرا نتوانستند محتوی کتاب مقدس را باروشنی و وضوح بخوانندگان فارسی زبان منتقل سازند. گذشته از این، و در نتیجه نارسائی ترجمه، زیبایی

است.

مرا بکش تا در عقب تو بدویم ، (۱-۴): ترجمه غیردقیق از جمله عبری : « مرا بدنبال خود بکش تا بدویم ».

تشبیه دادن ، (۱-۹): بجای تشبیه کردن .

خواهر و عروس من باغی بسته شده است، (۴-۱۲) :

بجای «خواهر نو عروس من باغ در بسته ای است».

ای عروس من لهای تو غسل را میچکاند ، (۴-۱۱):

بجای «از لهای تو غسل میچکد».

این کمبود در ترجمه فصیح کتاب مقدس چندی پیش با برگردان زیبای احمد شاملو از «غزل غزلها» دست کم بعنوان نمونه ای موفق از آنچه شدنی است - جبران شد. ترجمه حاضر را نمیتوان برگردان دقیقی از متن اصلی عبری دانست . منبع اصلی شاملو ترجمه فرانسه این کتاب بوسیله Mardrus بوده است. ۶. ترجمه فرانسه - چنانکه در آغاز کتاب تذکره شده بر اساس «منابع سامی» قرارداد بدون اینکه جزئیاتی درباره چگونگی این منابع داده شده باشد .

مقایسه ترجمه فرانسه با متن عبری نشان میدهد که اختلافاتی چند بین این دو وجود دارد . به همین جهت در بررسی ترجمه فارسی ناچاریم مشخصات ترجمه فرانسه را نیز در نظر بگیریم .

از آنجائیکه از منابع مترجم فرانسوی اطلاع دقیقی در دست نیست نمیتوان بدروستی دانست اختلافاتی که بین اصل و ترجمه وجود دارد بتمامی از این منابع سرچشمه گرفته و یا تا حدی نتیجه ابتکار خود مترجم نیز بوده است . در هر حال متن فرانسه و فارسی غزلها را میتوان برگردان آزاد و توسعه یافته اصل عبری دانست .

ترجمه فرانسه با عنوان

### Le Cantique des Cantiques

(غزل غزلها) چاپ شده بدون اینکه در باره وابستگی غزلها بسلیمان تذکری داده شده باشد (۵) اولین جمله فصل اول که حاکی از این وابستگی است «غزل غزلها که سلیمان راست» - و در واقع عنوان کتاب است - از متن اصلی حذف شده است. در ترجمه فارسی این وابستگی در عنوان کتاب حفظ شده است.

تقسیم بندی کلی غزلها به هشت باب در ترجمه فرانسه فارسی نیز حفظ شده ولی هر بخش بجای اینکه مطابق معمول تورات فصل یا باب نامیده شود بفرانسه "Chant"

و بفرانسی «سرود» خوانده شده است. برخلاف تقسیم بندی کلی ، در تنظیم داخلی فصول تغییراتی داده شده ، بدین ترتیب که آغاز و انجام بعضی از فصول (غزلها) با آنچه در متن اصلی وجود دارد متفاوت است. البته در ترجمه معروف بترجمه کینگ جیمز King James

و سایر ترجمه ها نیز اختلافاتی از این نظر با متن اصلی عبری وجود دارد ولی این اختلافات اغلب جزئی بوده و بیش از آنکه به تقسیم بندی اییات شعر بنا بر محتوی آنها توجه داشته باشد ظاهرا بر پایه سنتهای تقدس یافته قرار دارد . چنین بنظر میرسد که در ترجمه فرانسه - فارسی هدف تنظیم مجدد فصول تقسیم بندی منطقی تر آنها بر اساس موضوع و محتوی بوده است .

مثلا ، در حالیکه فصل چهارم متن اصلی به آیه ۱۶

پایان میدهد ، ترجمه فرانسه این فصل شامل آیه اول فصل پنجم نیز هست و این آیه ای است که از لحاظ موضوع بدون شك دنباله آخرین آیه های فصل چهارم است. ۸. چنین مینماید که تمديد فصل پنجم با آیه اول فصل ششم نیز ناشی از همین ملاحظات بوده است زیرا آیه «محبوب تو از کدامین سورتته است ای زیباتر از تمامی زنان...» ادامه منطقی مضمونی است که در آخر فصل پنجم مطرح شده است. به همین علت فصل ششم در ترجمه فرانسه فارسی بسیار کوتاه شده زیرا چند آیه از آخر این فصل نیز ، ظاهرا بعلی که توجه شده ، به اول فصل هفتم پیوند یافته است.

گذشته از اختلاف ساختمانی ، در بسیاری از مصرع های (آیه ها) کتاب تغییراتی در مقایسه با متن اصلی داده شده است. بجز از چند مورد (۹) که جملائی از اصل عبری حذف شده ، در ترجمه فرانسه فارسی کلمات ، جمله ها و حتی گاه بندهائی بمتن اصلی اضافه شده است. چنین بنظر میرسد که این اضافات بمنظور پرورش مضمون های شعری که با ایجاز مشهور سبک عبری باستان بیان شده صورت گرفته است . مثلا چهار آیه اول فصل سوم بترتیب زیر بفرانسی (از فرانسه) برگردانده شده است. کلمات و جملائی که در اصل عبری وجود ندارد با خط کشی مشخص شده است:

سب همه شب ، تنها ، در بستر خویش

ببخود از خویش هوای زیبارویی را (عبری : آن را) بسر داشته ام که جانم از او شعله میکشید .

اما او را نیافتم

بس خانه ها گرم و سرگردان بسوقها و گذرها در شهر برشان گشتم .

سودای آنرا بر سر داشتم که جانم از او شعله میکشید .

همه جا او را جستیم ، به هر جانان از او گرفتیم

اما بازش نیافتیم . بازش نیافته ام

چون بگروه گرمگان برخوردم که گشت شبانه را گرد شهر میکشند ، با ایشان گفتم :

ای مردان که عمل آیا آن را که دلم از او بی خویش است دیدار کرده اید ؟

لیکن ایشان راه خود گرفتند و مرا پاسخی نگفتند .

باری ، هنوز از ایشان چندان برنگزشته بودم که آن را که دلم از او بی خویش است باز یافتیم و او را گرفته بازش ننهادم تا پخانه مادر خود رهنمود شدم .

و بمحله پنهان آن که مرا در بطن خویش حمل کرده است در آوردم .

و او از آن من شدومن از او شدم بتمامی ۱۰

همانطور که این آخرین جمله اضافی نشان میدهد در متن فرانسه - فارسی تمایلی است بتاکید بیشتر جنبه عاشقانه شعر ، تمایلی که در متن اصلی نیز پوشیده نیست ۱۱. نمونه برجسته این تمایل ترجمه آزاد آخرین جمله فصل اول است (آیه ۱۶):

نگاه کن که سرسبزی چمن چگونه به آرامیدمان میخواند آنک چمن که زفاف ما را بستر خواهد شد ۱۲

در حالیکه در متن اصلی تنها جمله «بستر مانیز سر سبز است» وجود دارد .

این ملحقات گرچه ترجمه را از متن اصلی دور کرده

گاه بصورت تفسیر زیبایی از یک یا دوآیه موجز و تاحدی مبهم درآمده است. مثلاً آیه های ۱۶-۱۵ فصل دوم از متن اصلی عبری از این قرار است:

روباهان را از برای ما به دام افکنید  
روبهکان تا کستانهای شکوفان ما را تاراج میکنند  
دلدار من از آن منست و من از آن اویم ، شبان سوسنزارها.

مترجم فرانسوی معادله ای میسازد بین «روبهکانیکه تا کستانها را تاراج میکنند» و «شبان جوان گلزارها» که دلدار سرایتده شعر است :

همچون شبان جوانی که گله اش را در سوسنزاران بچرا میبرد  
وزروباهان جوان سال که تا کستانهای پرگل را تاراج میکنند  
دلدار شاهوارم رمه بوسه هایش را در سوسنزاران من بگردش میبرد .

رمه بوسه هایش را در تا کستان من بگردش میبرد.  
روبهکان را از برای من بدام افکنید.

شبان جوان را گرفته بسوی من آرید ۱۳

ترجمه در برگردان این قسمت تغییر جالبی در ترتیب مصرعها - در مقایسه با ترجمه فرانسه - وارد کرده است. در ترجمه فرانسه دو جمله اخیر این بند پس از دو مصرع اول و در هالاین آمده که در نتیجه در جریان طبیعی این بیت وقفه ای حاصل شده است. ترتیب مصارع نیز ترجمه فارسی از این لحاظ و نیز از نظر معادله ای که به آن اشاره رفت موفق تر بنظر میرسد .

درباره ترجمه فارسی غزلها میتوان گفت که شاموس توانسته است سبکی بوجود آورد که تاحد زیادی و برخلاف ترجمه های چاپ شده پیشین - یادآور سبک و حال و هوای من اصلی است.

گرچه ملحقات متن فرانسه و مشخصات زبان فارسی - بسیاری لغات و افعال مرکب - ترجمه فارسی را از سبک موجز عبری دور ساخته ، ولی سایر مشخصات سبک مخصوص مترجم نزدیکی زیادی بین متن عبری و ترجمه فارسی بوجود آورده است.

مترجم - که یکی از پیشروان شعر مینور یا سبک فارسی است و در این زمینه موفقیت های بزرگی بدست آورده ، این نوع شعر را برای ترجمه غزلها انتخاب کرده است .۱۴ بسیاری از اشعار سپید خود او گرچه عاری از وزن عروضی است از ترنم و آهنگ بخصوصی بهره دارد که ناشی از انتخاب کلمات ، چگونگی پیوستن آنها بهم ، هم آوایی حروف و استعمال قافیه است . ترجمه غزلها نیز بهمین روال از جملات آهنگی بی نصیب نیست:

نوعروس من - ای خواهر من

نویاغ در بسته پرانی ، سیستانی قفل بر نهاده ، کاریزی سر پوشیده ای

آن چشمه ساری تو که هرگز بنخشکد ۱۵

گرچه با احتمال قوی سبک ترجمه فرانسه در چگونگی برگردان فارسی تاثیر داشته ، سبک شاعر فارسی در این ترجمه بیشتر بر اساس مشخصات زبان شعری خود او قرار دارد .۱۶ قسمت زیادی از این مشخصات از سبک نثر قدامی فارسی

بخصوص در اولین دوره های تجدید حیات ادبی این زبان بعد از حمله اعراب مایه گرفته است. این مایه گیری هم در جمله بندیها چشم میخورد، هم در انتخاب کلمات و اصطلاحات قدامی و یا کلمات و اصطلاحاتی که طنین قدامی دارد و احتمالاً توسط خود شاعر آفریده شده است . چنین بنظر میرسد که در ترجمه غزلها مترجم ، مدبرانه ، از مشخصات این سبک حداکثر استفاده را برده تا یکمک آن حال و هوای باستانی همانند آنچه در متن اصلی وجود دارد بیافریند :

### الف - خصوصیات دستوری

۱ - استعمال مکرر ضمائر متصل در حالت مفعولی، مانند پیوستن ضمیر متصل مفعولی بفاعل : «خود از این روست که با کرگانت دوست میدارند» ۱۷ یا بفاعل :

«بازش نیافتم» یا «بازش نهادم» ۱۸

۲ - استعمال «را» بجای حروف اضافه بیان کننده مقصود :

«که گشت شبانه را در شهر می گشتند» ۱۹

یا بجای اضافه :

«که ترا بر اثر بوی خوش جانت تا خانه بدنبال خواهم آمد» ۲۰

یا با فعل بزین معنی داشتن :

«شاه سلیمان را در بعل هامون تا کستانی بود» ۲۱

۳ - استعمال مصدر مرخم بجای صیغه التزامی :

«لهب عشق را سیلابها و آب نهرها خاموش نمیتواند کرد» ۲۲

۴ - استعمال اسم جمع بعد از شماره :

«که مرا دلفر بنده ای بواسطه دورخانت با آرایه شان و پیرایه هاشان» ۲۳

۵ - استعمال پیشوند «می» در فعل داشتن در گذشته و حال :

«اینک نوجوان جمیلی که منش دوست میدارم» ۲۴

۶ - استفاده از پیشوند قدامی «همی» :

«لباش دو حلقه از خوان است که مرصافی از آن همی چکد» ۲۵

۷ - آوردن ضمیر اشاره بعد از اسم :

«ساری ، هودج زرینی است این که برای شاه سلیمان ساخته اند ، از برای او» ۲۶

۸ «ب» تا کیدی و تریینی .

«آن چشمه ساری تو که هرگز بنخشکد» ۲۷

۹ - حذف فعل در عطف بماسبق :

«ماه راماندو به پاکی خورشید را» ۲۸

۱۰ - نفی امر با «م»

«از این بیشتر درنگ مکن» ۲۹

۱۱ - جمع هائی نظیر: باکرگان، متمگان، جمیلگان ۳۰ میدانیم که این صورت جمع مخصوص برخی از لغات پهلوی است که به -گ ختم میشده و در زبان فارسی به

«ه» غیر ملفوظ تبدیل یافته است. در جمع به «ان» یا پسوند دیگری «ه» به حالت قبلی خود یعنی «گ» بر میگردد ، مانند بچه - بیچگان ، خسته - خستگی و نظیر آن. تمحیل این تحول صوتی بر لغاتیکه اصل عربی دارند صحیح بنظر نمیرسد ولی این لغات چنان بحالت طبیعی در چهار

چوب سبک مخصوص شاملو میشینند که در نظر اول بسختی میتوان متوجه این «مشکل» شد.

۱۲ - تکرار افعال و توازن ساختمانی جمله‌ها گرچه در متن اصلی و ترجمه فرانسه نیز وجود دارد، تا حدی یادآور سبک پهلوی و نثر اولین دوره زبان فارسی است: «صدای تودلریا است»

و روی تو دلریاست» ۳۱

### ب- انتخاب کلمات و اصطلاحات:

۱- بسیاری از حروف اضافه و تشبیه بصورت قدیمی خود آمده است: اینک، آنک، اندر، چنان، چون، چونان، از برای، بل نیز، چرا که.

۲- استعمال افعال با پیشوند های قدیمی: برگزیدن، بازیافتن، باز نهادن، قرا آمدن در آمدن.

۳- کلمات و اصطلاحات قدمائی نظیر: سیه‌فام، سیه چرده، نظاره کردن، انجیر بن، ماناستونی، آبشخور، ازین دست، سپیده‌دمان، دیری نیست، مردنگی، اناربنان. در این گروه میتوان کلماتی را نیز که در نثر فارسی تا اواخر قرن سیزدهم استعمال شده نام برد. استفاده از این کلمات، که گرچه تا اوائل قرن چهاردهم رایج بوده امروز بسیار نادر است، همان احساس کلمات بسیار قدیمی را در خواننده ایجاد میکند: سینه‌ریز، موزه، ولایت، سوق، کرمه، شحنه، هودج، برقع، کلون، خطه، نعلین، جبه شاهی، وهمانند آنها.

خود شاعر نیز در موارد لزوم کلمات و اصطلاحاتی با طنین فارسی قدمائی و از روی الگوهای قدیمی بوجود آورده تا یکدستی زبان ترجمه حفظ شود: جفتا جفت، شکوفه نشستن، سوسنزار، پای در راه مرگ بودن، خطر اولین، سیستان وهانند آنها.

نتیجه اینکه برگردان جدید گرچه یک برگردان آزاد است خیلی بهتر از ترجمه های دقیق مبلغین توانسته است روح «غزلها» را بقالب زبان فارسی بریزد (۳۲) برای نمونه چند جمله از دو ترجمه مقابله میشود: «این کیست که مثل سقونهای دود از بیابان بر می آید و بهرو بخور وبهمه عطریات تاجران معطرست؟» (باب سوم، آیه ۶).

ب- راستی را این موکب از کیست؟ **تال جامع علوم انسانی** «این کیست که مثل سقونهای دود از بیابان بر می آید و بهرو بخور وبهمه عطریات تاجران معطرست؟» (باب سوم، آیه ۶).

الف - «اینک تخت روان سلیمان است که شصت جبار اسرائیل بدور آن میباشد» (۷-۳)  
ب - «اینک تخت روان شاه سلیمان است، باشصت جنگجوی برگزیده، از تمامی پهلوانان اسرائیل بگردش» ۳۴.  
الف - «خواهر و عروس من باغی بسته شده است چشمه مقل و منبع مختوم است» (۴ - ۱۲)

ب - «نوعروس من، ای خواهر من تو باغ در بسته پریانی، سیستانی قفل بر نهاده، کاریزی سر پوشیده ای، آن چشمساری تو که هرگز بنخشکد» ۳۵.  
الف - «ای عروس من لبهای تو غسل را میچکاند»

(۴ - ۱۱)

ب - «لبات ای نوعروس من سیوئی است که از آن

عد لمیتر اود» ۳۶.

الف - «محبوب من سفید و سرخ فام است و بر هزارها برافراشته شده است.» (۵ - ۱۰)

ب - «دلدار من سپید و سرخ فام است که از ده هزار نوجواش باز توان شناخت» ۳۷

الف - «صبح زود به تاکستانها برویم و بهینیم که آیا انگور گل کرده و گلهايش گشوده و انارها گل داده باشد» (۷ - ۱۲)

ب - «سپیده دمان بر خیزیم و جوش جوانه را بر جفته تا کها بنگریم

تا بنگریم که شکوفه ها چگونه میشکند

و مردنگی های انار بنان چگونه بر می آفرودد» ۳۸.  
امید است در آینده ترجمه هایی این چنین از سایر فصول تورات بخصوص قطعات ادبی آن بزبان فارسی انتشار یابد.

### حواشی

\* غزل غزلها ی سلیمان، برگردان از احمد شاملو، تهران طهوری ۱۳۴۷.

۱ - کتاب مقدس اصطلاحی است موازی کلمه BIBLE مسیحیان که شامل کتاب عهد عتیق (تورات) و کتاب عهد جدید (انجیل) هر دو میشود. کلمه تورات که در زبان عبری تنها به اسفار پنجگانه موسی اطلاق میشود در فارسی توسعا برای نامیدن مجموعه کتب مقدس یهودیان یعنی تورات، انبیاء، و مکتوبات بکار میرود.

۲ - در بین ترجمه های تورات که تنها نسخه خطی آنها موجود است و توسط یهودیان فارسی زبان برگردانده شده ترجمه های موقتی وجود دارد که هم از نظر زیبایی سبک و هم از لحاظ نحو لزبان فارسی دارای اهمیت بسیار است. درباره ترجمه های کتاب مقدس بزبان فارسی بمقاله زیر مراجعه کنید:

Fischel, Walter J., "The Bible in Persian Translation", Harvard Theological Review, Cambridge, 1952, PP. 3-45

ترجمه فارسی این مقاله در مجله راهنمای کتاب (سال ۱۳۳۸، شماره پنجم و سال ۱۳۳۹ شماره های ۲ - ۱) منتشر شده است.

از ترجمه های تورات که توسط خود یهودیان بفارسی برگردانده شده اخیرا یک نسخه قدیمی از اسفار پنجگانه که تاریخ رونویسی آن به اوایل قرن هفتم هجری برمی گردد از طرف دانشگاه عبری اورشلیم وموسسه بن صوی انتشار یافته است. این نسخه که همانند سایر آثار یهودیان ایران بخط عبری است به وسیله پروفور هربرت پی H? Paper تهیه و مقدمه نویسی شده است.

۳ - متن تورات (کتاب عهد عتیق) بصورتی که مورد استفاده مسیحیان است در چند مورد با متن مورد قبول یهودیان تفاوت دارد.

۴ - مقصود مواردی نیست که گنگی مطلب در خود متن اصلی نیز هست و دانشمندان درباره تفسیر آن هم عقیده نیستند.

Mardrus, J. C., *Le Cantique des Cantiques, Paris, Les Peintres du livre, s. d.*

۷ - درباره منبع واقعی « غزلها » و صحت وابستگی آنها به سلیمان عقاید مختلفی بین دانشمندان وجود دارد. به عقیده بسیاری زبان و سبک « غزلها » با زبان و سبک دوره سلیمان متفاوت است و به دوره‌های بعد از سلطنت وی تعلق دارد. از جمله وجود کلمه پردس Pardes که از فارسی به عبری وارد شده ( فصل چهارم ، آیه ۱۳ ) ( از ریشه اوستائی pairi - dacza ، فردوس امروز ) دلیلی در این مورد بشمار میرود ، زیرا این کلمه نمیتواند قدمتی پیش از اولین دوره حکومت ایرانیان بر سرزمین اسرائیل داشته باشد . شواهد داخلی دیگری نیز وجود دارد که انتساب غزلها را به سلیمان غیرممکن میسازد .

۸ - در برخی از چاپهای متن عبری نیز در این موارد فاصله بیشتری بین آیه‌ها قرار داده شده تا آغاز یک موضوع جدید مشخص باشد .

۹ - فصل ششم ، آیه اول ( اواخر سرود پنجم ترجمه فارسی ) : « دلدار تو از کدامین سوی رفته است ای زیباتر از تمامی زنان تا همراه تو به جستجوی او برخیزیم » جمله اخیر در ترجمه فرانسه - فارسی نیست . هم چنین فصل هشتم ، آیه ۱۱ : « من از آن دلدار خود هستم و او نیز مشتاق من می‌باشد » ، و نیز باب هفتم « آیه ۸ ( قسمت اول ) : « گفتم بدرخت خرما برآمده به شاخه‌هایش خواهم آویخت ... » از ترجمه حذف شده است .

۱۰ - « غزل غزلها » ، برگردان از احمد شاملو ، ص ۳۳ - ۳۱ . شماره گذاری صفا حه‌ها به منظور آسان کردن کار مراجعه صورت گرفته ، برگردان فارسی شماره گذاری نشده است .

۱۱ - محتوی « غزلها » در طریق گویاگون ، تمثیل و تفسیر شده است . یهودیان مومن آن را بیانی تمثیلی از محبت و لطف خداوند نسبت به قوم یهود میدانند و مسیحیان آن را به عشق خداوند به عیسی یا محبت عیسی با یهودیان روح افراد بشر تعبیر می‌کنند .

به عقیده برخی از محققین بهر حال « غزلها » سروده هائی بوده است یادگار آیین قدیم سومریها و یا ترانه‌های عاشقانه که در مراسم ازدواج در دوره‌های باستان میان مردم اسرائیل و اقوام همسایه محبوبیت و رواجی داشته است .

۱۲ - « غزلها » ، شاملو ، ص ۱۲ .

۱۳ - آنجا ، ص ۲۴ . بغیر از چند مورد جزئی اختلاف چشم‌گیری بین دو ترجمه فرانسه و فارسی وجود ندارد .

۱۴ - وزن « غزلها » در متن اصلی عبری بر اساس توالی هجا‌های تکبیه‌دار و بدون تکبیه قرار دارد .

۱۵ - آنجا ، ص ۴۸ .

۱۶ - از طرف دیگر چنین به نظر میرسد که آشنائی با سبک تورات و انجیل و ترجمه « غزلها » در تحول سبک شعری شاملو بی‌تاثیر نبوده است .

۱۷ - آنجا ، ص ۱ .

۱۸ - آنجا ، ص ۳۲ .

۱۹ - آنجا . نمونه‌های دیگر در صفحات : ۶ ، ۷۳ ، ۸۲ .

۲۰ - آنجا ، ص ۸۸ ، و هم چنین ص ۴۶ .

۲۱ - آنجا ، ص ۹۹ .

۲۲ - آنجا .

۲۳ - آنجا ، ص ۷ .

۲۴ - آنجا ، ص ۸۱ .

۲۵ - آنجا ، ص ۶۳ .

۲۶ - آنجا ، ص ۳۷ .

۲۷ - آنجا ، ص ۴۸ .

۲۸ - آنجا ، ص ۷۸ .

۲۹ - آنجا ، ص ۹۰ .

۳۰ - آنجا ، به ترتیب صفحات : ۱ ، ۷۸ ، ۶۸ .

۳۱ - آنجا ، ص ۲۳ ، هم چنین صفحات : ۷۸ ، ۶۸ .

۳۲ - در مورد اشتباهی در ترجمه فارسی رخ داده است . در یک مورد شاملو اسم خاص

la Snulamite را ، گویا در اثر حرف تعریف la و ساختمان کلمه ، نام

شهر یا مکانی دانسته و به همین علت آن را « بانوی شولمی »

یا « بانوی شولم » ترجمه کرده ، در حالی که شولمیت نامی

است مخصوص زنان .

در مورد موم ، کلمه sheol

را که مترجم

در انجیل صورت اصل عبری آورده با Sha نام یکی از

پادشاهان اسرائیل اشتباه کرده است ، در حالی که sheol

در عبری بمعنی سرازیری گور و مجازات مرگ و شکنجه

آن آمده است .

۳۳ - آنجا ، ص ۳۳ .

۳۴ - آنجا ، ص ۳۷ .

۳۵ - آنجا ، ص ۳۸ .

۳۶ - آنجا .

۳۷ - آنجا ، ص ۶۳ .

۳۸ - آنجا ، ص ۹۰ .